



۲۰۱۹/۰۳/۲۱



فردوس

چرا حمله به شخص خلیل زاد؟

بارنت روبین افغانستان شناس امریکایی، از آن مقام‌های دولتی افغانستان که از مذاکره امریکا با طالبان نگرانی دارند، پرسیده است که چرا آنها به جای حمله به خلیل زاد از دونالد ترمپ و مایک پمپو وزیر خارجه ایالات متحده انتقاد نمیکنند. ترمپ و پمپو صلاحیت دارند که مذاکره با گروه طالبان را متوقف کنند یا به جای داکتر خلیل زاد شخص دیگری را بگمارند. ولی ارگ در حال حاضر حمله به خلیل زاد و «جاه طلبی» او را ترجیح داده است. ارگ به این باور است که محمدشرف غنی برای واشنگتن برنامه های مفصل و خیلی هوشمندانه در مورد کاهش شمار نیروهای امریکایی در افغانستان و کاهش مصارف عملیات های آنها پیشنهاد کرده است. ارگ برای پایان جنگ نیز برنامه دارد. محمدشرف غنی در ماه قوس امسال در اجلاس ژنیو برنامه مفصل پایان جنگ و مذاکره با طالبان را برای حاضران توضیح داد. محمدشرف غنی در ماه حوت سال گذشته هم برای طالبان پیشنهاد مذاکره بدون قید و شرط و مبادله مشروعیت داد.

چنین مینماید که ارگ به این باور است که اگر امریکا به برنامه هایی که آقای غنی ارایه می دهد، ترتیب اثر بدهد، اهداف سیاسی و انتخاباتی تیم بر سر اقتدار در واشنگتن تامین میشود و مصارف نیروهای امریکایی در افغانستان کاهش می یابد. محمدشرف غنی بار بار خطاب به مقام های امریکایی گفته است که در جنگ افغانستان نیروهای نظامی ایالات متحده تلف نمی شوند، بلکه قربانی اصلی نیروهای امنیتی افغانستان هستند. محمدشرف غنی حتماً انتظار داشت که ایالات متحده قانع شود و اگر با طالبان هم مذاکره میکند، به گونه ای روش را مدیریت کند که در پایان کار آنچه که کابل میخواهد به دست آید. محمدشرف غنی بارها گفته است که او ایالات متحده را قانع ساخت تا با گروه طالبان مستقیم مذاکره کند. ولی امروز دیپلوماسی پایان جنگ به گونه ای پیش میرود که مدنظر محمدشرف غنی نیست. ارگ امیدوار بود که وقتی هیات گروه طالبان در ابوظبی با نمایندگان ایالات متحده از جمله خلیل زاد مذاکره می کنند، شرایطی فراهم شود که نمایندگان طالبان با نمایندگان حکومت افغانستان هم دور میز گفت و گو بنشینند.

محمدشرف غنی در مصاحبه ششم فبروری امسال در طلوع گفت آقای خلیل زاد به صورت قطعی گفته بود که هیات طالبان با نمایندگان حکومت افغانستان دور میز گفت و گو می نشینند، اما چنین نشد. آقای غنی در آن مصاحبه از آقای خلیل زاد خواست که در این باره باید پاسخ بدهد. مشکل هم در واقع از همانجا شروع شد. پس از آن که آقای خلیل زاد برای بار سوم با نمایندگان طالبان در قطر گفت و گو کرد، اختلاف های کابل و واشنگتن رو شد. در حال حاضر ارگ میل ندارد که به صراحت بگوید با امریکا اختلاف دارد. آقای محب مشاور امنیت ملی ارگ در واشنگتن صرف همین قدر گفت که ایالات متحده باید در مورد استراتژی دراز مدتش به کابل توضیح بدهد.

ولی ریاست جمهوری افغانستان وانمود میکند که آقای خلیل‌زاد به گونه ای دیپلماسی مذاکره با طالبان را مدیریت می کند که مدنظر کابل نیست. به نظر می رسد که محمدشرف غنی به آقای خلیل‌زاد هیچ اعتماد ندارد و تصور میکند که خلیل‌زاد نمی گذارد که امریکا طرح هایی را که او به واشنگتن فرستاده است، جدی بگیرد. در گذشته حوزه نفوذ جبهه متحد سابق از خلیل‌زاد انتقاد می کردند. آنها پیوسته می گفتند که آقای خلیل‌زاد به سود تیم آقای کرزی در دوران سفارتش عمل می کرد و به نحوی با این تیم همسویی داشت تا مطالبات سیاستمداران حوزه جبهه متحد سابق درج قانون اساسی نشود. اما آقای خلیل‌زاد در کتاب خاطراتش تلاش کرد که این اتهام را به چالش بکشد و رد کند. آقای خلیل‌زاد اتهام جانبداری از تیم کرزی را بعداً در مصاحبه های خود هم رد کرد، ولی امروز ارگ و تیم آقای غنی مشخصاً خلیل‌زاد را هدف گرفته اند. ارگ زلمی خلیل‌زاد را دیپلمات جاه طلبی توصیف می کند که برنامه های خود را با نگاه کلونالیستی می خواهد تطبیق کند و هیچ ارزشی به رأی و نظر کابل قابل نمی شود. آنها می گویند که با ارگ هم سمپاتی دارند، به این باورند که همان طوری که طالب یک طرف قضیه است، ارگ هم طرف دیگر قضیه افغانستان است و باید حرف و نظرش شنیده شود. محمدشرف غنی پس از سپتامبر سال ۲۰۱۸ تلاش کرد که در قاعده سیاسی تیمش هم تغییرات لازم را بیاورد. او امرالله صالح یکی از رهبران سرسخت و قاطع جبهه متحد سابق را به تیمش راه داد. آقای صالح، نگاه متفاوت به طالبان و نحوه مواجهه با آنها دارد.

آقای غنی شاید فکر می کند که اگر آقای خلیل‌زاد نماینده خاص امریکا برای پایان جنگ افغانستان نمی بود و کس دیگر این سمت را به عهده می داشت، احتمال آن زیاد بود که می توانست در واشنگتن نفوذگذاری کند. شاید به همین دلیل است که ارگ به جای این که پالیسی واشنگتن را مورد انتقاد قرار دهد، شخص آقای خلیل‌زاد را هدف انتقاد قرار داده است. ولی بسیار بعید است که واشنگتن خلیل‌زاد را به خواهش ارگ تعویض کند. خلیل‌زاد شناخت جدی از منطقه دارد. او با تاریخ این منطقه و سیر تاریخی جنگ افغانستان آشنا است. خلیل‌زاد با اداره ریگان همکار بود و تا خروج نیروهای شوروی به نحوی با دولت امریکا در ارتباط با قضیه افغانستان کار می کرد. خلیل‌زاد یکی از دیپلمات های امریکایی در اجلاس ژنیو بود. با خروج شوروی ها هم خلیل‌زاد در قضیه افغانستان فعال بود و تلاش می کرد که حکومت موقت مجاهدین در راولپندی دارای قاعده وسیع سیاسی شود، او می خواست که شاه سابق و تنظیم های نه گانه مقیم ایران هم در آن حکومت شریک شوند. خلیل‌زاد سخت طرفدار حل سیاسی جنگ افغانستان پس از خروج شوروی بود.

وقتی طالبان کابل را اشغال کردند هم خلیل‌زاد با نوشتن یک مطلب مهمان برای یک روزنامه معروف امریکایی از دولت ایالات متحده خواست تا از طریق دیپلماسی جلو پیشروی طالبان به شمال را بگیرند و زمینه را برای یک توافق سیاسی فراهم سازند. او به امریکا پیشنهاد کرده بود که از طریق دیپلماسی زمینه را برای شکلهی یک حکومت فراگیر و دارای قاعده وسیع سیاسی که همه گروه ها در آن دخیل باشند، فراهم کند. وقتی طالبان به شمال پیشروی کردند و جنجال این گروه با امریکا در مورد بن لادن بیشتر شد، خلیل‌زاد کمک به مخالفان طالبان از جمله اتحاد شمال را به واشنگتن پیشنهاد کرد. در روش دولت سازی پس از اجلاس بن هم نقش خلیل‌زاد برجسته بود. خلیل‌زاد یکی از اعضای حزب جمهوریخواه امریکا است و به نفع ای از این حزب تعلق دارد که طرفدار انزوآگرایی نیست. ترمپ و تیمش انزوآگرا هستند، ولی با وجود آن به نظر نمی آید که خلیل‌زاد را کنار بزنند.